

تخصص

نشریه پیچ دانشجویی دانشگاه فرهنگیان
پرونده شهید باهنر اصلهان
سال اول / شماره چهارم /
آبان ماه ۱۳۹۳ / توزیع رایگان



■ با ما باش، در امان باش - با ما باش، در امان باش - با ما باش، در امان باش - سال ۶۱ هجری قمری

■ با ما باش، در امان باش - با ما باش، در امان باش - با ما باش، در امان باش - سال ۲۰۱۴ میلادی

یادداشت استاد

دانشجو ساکت نمی ماند

در دانشگاه فرهنگیان چه خبر است؟

با ما باش، در امان باش

عاشورا انقلاب یا انفجار؟

مخالفت ایران با آمریکا از لجبازی نیست

همیشه نبود به جلی اینکه بیاوریم، بکاریم؟

از شبکه های اجتماعی تا اسید پاشی



نشریه بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان
پردیس شهید باهنر اصفهان
سال اول / شماره چهارم /
آبان ماه ۱۳۹۳ / توزیع رایگان

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه
فرهنگیان، پردیس شهید باهنر اصفهان
مدیر مسئول و سردبیر: احسان صنعتکار
زیر نظر شورای سردبیری
دبیر واحد سیاسی: محمد محمد خانی
دبیر واحد فرهنگی: امیر حسین حیدری
دبیر واحد دانشجویی: محمد احمدی نجات

نشریه دارای اسماء متبرک است
و حفظ حرمت آن به عهده خواننده می باشد.

چند نکته:

۱. این نشریه از مقالات و مطالب دانشجویان محترم استقبال می کند.
۲. نشریه در ویرایش و تلخیص مطالب ارسالی آزاد است.
۳. از آنجایی که نشریه با هزینه بیت المال و به صورت رایگان تهیه می شود، لطفاً بعد از مطالعه در اختیار دوستان قرار دهید.
۵. لطفاً پیشنهادات و انتقادات خود را به ما ارسال کنید.

سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۶۱۳۲۲۲۲۲
tahrir.cfu@mihanmail.ir



حرف اول

هیچ قدرتی نمی تواند این ملتی که از همه جوانب به او هجوم شده است و از همه قدرت های بزرگ برای او توطئه چیده اند؛ این توطئه را خنثی کند، الا همین مجالس عزاء.

صحیفه حضرت امام خمینی (ره)؛ ج ۱۶؛ ص ۳۴۶



وقته حرام می شود، حرام می شود

همه ما پای منبر امام حسین علیه السلام بزرگ شده ایم، همه ما با ابعاد قیام امام و حوادث روز عاشورا کم و بیش آشنا هستیم. اینکه چرا حضرت از مدینه خارج شدند؟ چرا حج را به عمره تبدیل کردند؟ چرا از جاده اصلی رفتند؟ اینکه چرا کوفیان، بی وفایشان در تاریخ ماندگار شد؟ اینکه چرا امام حسین علیه السلام قیام کرد؟ اینکه چرا امام حسین علیه السلام قیام کرد؟

و افعا چرا قیام کرد؟؟؟ خود حضرت، این سؤال را جواب دادند، حضرت علت قیام خود را امر به معروف و نهی از منکر خواندند. زیرا قرآن به این دلیل مسلمانان را بهترین امت خوانده است که امر به معروف و نهی از منکر می کنند. اما چگونه شده بود که امت مسلمین دیگر نه حاضر به امر بود و نه نهی. وضع به جایی کشیده بود که دیگر کار با سکوت و صلح جواب نمی داد بلکه فقط خون بود که می توانست آنها را از خواب سرد زنجیر بسته بیرون بیاورد و تلنگری به شکم های پر از لقمه های حرام آنها بزند.

آری، لقمه حرام، آن چیزی است که موجب می شود صدای هل من ناصر امامت را بشنوی ولی او را یاری نکنی! دو چشم پر اضطراب علمدار علقمه را ببینی، و چشم هایت را ببندی! صدای العطش طفل رباب را بشنوی، ولی لبیک نگویی! صدای بابا، بابای رقیه را بشنوی، ولی نگاهت را از امامت برگردانی! و به قول آقا مرتضی آوینی «نپندار که تنها عاشوراییان را بدان بلا آزموده اند و لا غیر. صحرای بلا به وسعت همه تاریخ است.»

و حق گفت که صحرای بلا به وسعت همه تاریخ است، دیروز سال ۶۱ و امروز قرن ۲۱ اطراف ما چه خبر است؟؟؟ پول هایمان از کجا می آید؟ به کجا می رود؟ در چه راهی و چگونه خرج می شود؟ آیا برای چند درصد پول بیشتر، چند روز پشت میز نشستن بیشتر، چند روز در راس قدرت بودن بیشتر، و هزاران بیشتر دیگر دروغ نمی گوییم، و همین دروغ گفتن ها که چه عرض کنم گاهی همین سکوت ها و بی طرف بودن ها که در عاشورای سال شصت و یک هم بود، پول هایمان را کثیف نمی کند، اینکه خمس و زکات نمی دهیم، پول هایمان را شبهه ناک نمی کند؟؟؟

خلاصه اینکه

لقمه حرام، حرام است

صدای هل من ناصر ارباب هنوز می آید...

مدیر مسئول

علی حاجی کریمی
یادداشت مهمان

قیام امام حسین (ع) و ارتباط آن با

ظلم ستیزی و تسخیر لانه جاسوس

قیام امام حسین مبارزه با ظلم و استبداد و نفاق و برای برپایی حق، عدالت و برپا نمودن سنت های الهی و امر به معروف و نهی از منکر و دفاع از مظلومان عالم بود و بیداری توده مردم و در نهایت رواج اسلام حقیقی به سایر ملل جهان تأقیامت می باشد و رابطه آن با تسخیر لانه جاسوسی نیز همین هست یعنی مبارزه با کفر و نفاق، زورگویی و در نهایت برای پایی حق و عدالت در کل جهان و دفاع از مظلومان عالم می باشد اما تفاوتی که در آن می باشد این است که از نظر زمانی فاصله ای ۱۴۰۰ ساله دارد و از نظر مکانی نهضت امام حسین (ع) در کربلا به وقوع پیوست و رهبری آن توسط حجت خدا بود و امروز در این زمان تسخیر لانه جاسوسی توسط انقلابیون ایران با رهبری نائب امام زمان (عج) انجام شد و در حقیقت این انقلاب ایران درسی است که از نهضت امام حسین (ع) گرفته شده و لازم است که همان طوری که نهضت امام حسین (ع) استمرار پیدا کرد و سبب انقلاب هایی در همان زمان شد و تا کنون نیز استمرار یافته است انقلاب کنونی ایران استمرار پیدا کند و مواظبت کامل از آن بشود تا مبدا خدایی ناکرده انحراف پیدا نکند و به نتیجه کامل که همان آزادی انسان از یوق استکبار و استعمار گران امروز دنیا می باشد برسد و نهایتا انسان آزاد مسلمان حقیقی و خالی از کبر و ریا و نفاق که همان سعادت بشریت است برسد و در حقیقت سعادت دنیوی و اخروی انسان منجر شود.



علی یوریا فرانی

مخالفت ایران با آمریکا از لجبازی نیست

ما کمتر روزی را داریم که در طول یک تاریخ ۱۵ ساله یعنی از ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۸ سه واقعه مهم را در خود جای داده باشد؛ تبعید امام (ره) به دلیل مخالفت با کاپیتولاسیون، آمدن دانش آموزان به دانشگاه تهران و به شهادت رسیدن عده ای از آنها در سال ۵۷ و تسخیر لانه جاسوسی در سال ۵۸ این سه واقعه مهم هستند.

تصور زشت آمریکا در گذشته به این شکل نبوده است، برخی ممکن است تصور کنند مخالفت جمهوری اسلامی ایران با آمریکایی ها از روی لجبازی است و برای مثال چون ما از ابتدا گفته ایم مرگ بر آمریکا حالا هم می خواهیم آن را ادامه بدهیم و کوتاه نیاییم و توجه به عواقب قضیه و مشکلات مردم نداریم.

سیاست خارجی آمریکا از یک بیماری مزمن رنج می برد تا این بیماری علاج نشود، البته اگر علاج پذیر باشد، این تصویر زشت ادامه یافته و زشت تر می شود؛ یکی از مبانی سیاست خارجی آمریکا این است که آمریکایی ها همیشه در پی یک دشمن خارجی نسبت به ملت خود هستند و گویی ترساندن ملت آمریکا از یک قدرت و خطر بیرونی وسیله انسجام و اتحاد ملت آمریکاست.

بنظر می رسد آمریکایی ها مجبور هستند یک هراس و خطر موهومی را علم کنند. ایران هراسی و اسلام و شیعه هراسی را در حال حاضر در دستور کار خود قرار دادند و این برای آنها یک مبناست، که آمریکا به دنبال دشمن خارجی باشد تا ملت خود را از آن ترسانند.

مسئله دیگر سیاست خارجه آمریکاست، که باعث بسیاری از خطاها شده، در واقع طمع آمریکایی ها به نفت منطقه غرب آسیاست. نفت عربستان، ایران و بقیه کشورهای این منطقه موجب طمع آمریکایی ها شده و آنها می خواهند بر مخازن نفتی دنیا تسلط کامل داشته باشند.

حمایت بی بدیل آمریکا از رژیم صهیونیستی از روز اول تا کنون که هر چه زمان گذشته بیشتر نیز شده است مسئله ای است که رابطه منطقی آمریکاربا همه مسلمانان آزاده گسیخته کرده است.

ملتی مثل ملت فلسطین در حال زندگی عادی خود بودند و جنگی با یهودی هانداشتند؛ و یهودیان و مسلمانان و مسیحیان قرن هادر کنار یکدیگر زندگی می کردند. اما بعد آمریکا، انگلیس و فرانسه و دیگران، صهیونیست ها را تشویق کردند که مردم را قتل عام کنند. و بعد سازمان ملل این کشور نامشروع را حمایت کند و به رسمیت بشناسد و کشور بزرگی مثل آمریکا امنیت ملی خود را به کشور دیگری گره بزند که وجودش در اینجا هیچ وجهی ندارد.

مخالفت ایران با آمریکا از سر لجبازی نیست؛ اینطور نیست که ما بگوییم چون ابتدا یک شعار داده ایم نمی خواهیم از آن کوتاه بیاییم چرا که مسئله نه تنها سطحی نیست بلکه عمیق و بنیادین است.

ما کاری با ملت آمریکا نداریم و مشکل دولت آمریکاست، در هیچ کجای دنیا، دولت آمریکا به عنوان دولت عاقل شناخته شده نیست و این دولت را دولت محترم به شمار نمی آورند.

ملت ایران طمع استقلال را چشیده است و به هیچ عنوان به آمریکایی ها اجازه نخواهد داد که بار دیگر از موضع قدرت به این کشور باز گردد. جوانان ما تصور نکنند که بابر گشتن آمریکایی ها به ایران و لبخند آنها همه چیز درست می شود، امروز وضعیت کشورهایی که تحت سلطه آمریکا هستند چگونه است، به مصر بروید و ببینید وضعیت این کشور چگونه است. با کودتای ۲۸ مرداد حکومت ایران به طور کامل تحت تسلط آمریکا قرار گرفت اما خودتان قضاوت کنید وضعیت ما قبل از انقلاب چگونه بوده است.

(جوانان ما بدانند بابر گشتن آمریکا هیچ اتفاقی نخواهد افتاد)



حسین زین الدین

بهتر نبود به جلی اینکه بیاریم، بکاریم؟

سرزمین هایی چون چین و آمریکا و آلمان و هلند و... که با شماری از آن ها، سر میز چانه زنی نشستیم ایم تا نازشان را بخریم، هر کدام به نوعی به خود کفایی رسیده اند. یک شبه هم به جایگاه فعلیشان نرسیده اند. زحمت کشیده اند و خود کفا شدند.

جالب است بدانید، کشور چین دو برابر حد مورد نیاز جمعیت خود، تولیدات کشاورزی داشته است.

ایالات متحده، چیزی حدود یازده برابر اندازه مورد نیاز خود تولیدات کشاورزی دارد.

همینطور کشور های دیگری که ما آنها را ابر قدرت میدانیم. خود کفا شدند در نتیجه ما آنها را مقتدر میدانیم.

در عین حال در اجلاس ها به ما القا شد که چرا گندم که پرهزینه است تولید کنید؟ اتومبیل (!!) تولید کنید که سود آورتر است. کشاورزی برایتان سخت است، مشکل آب دارید، خاک ندارید، وضعیت ارزی شما خراب است و هزینه های سنگینی به دنبال دارد. در عوض محصولات کشاورزی و غذایی وارد کنید که قطعاً کم هزینه تر از مرحله کاشت، داشت و برداشت است... همین اتفاق افتاد. یک مثال کوچک آن واردات گندم سال ۹۲ است که حدود ۷ میلیون تن وارد کردیم... و برای سال نود و سه هم رقمی در همین حدود پیش بینی شده است.

باغ اثار بنده چهار تن محصول برداشتی دارد در حالی که باغ کار آفرین همسایه دوازده تن برداشت کرده. حلال حلال است! وضعش هم خوب شده!

آب همان مقدار، وضعیت هوا هم مشابه، زمین هم همان زمین خدا بوده. فقط او آب خود را مدیریت کرد، در خاک خود تغییراتی ایجاد کرد و در یک کلام، تفکرش جهادی بود و جهادی عمل کرد. زمستانش را مدبرانه پشت سر گذاشت و حال هم موسم جیک جیک مستانه اش است...

اقتصاد بدون کشاورزی محکوم به وابستگی است. آنهم ایرانی که ژاپنی ها صراحتاً میگویند خاکش طلاست...



درواکنش به اتهام باج‌خواهی مجلس از دولت و خشم اصلاح‌طلبان

رعایت رای مردم حق الناس است

اصلاح‌طلبان که در پی جایگاه وزارت علوم در دولت بودند و حساب و کتاب‌های خود را در این باره تسکیم کردند، از نه مجلس به وزیر پیشنهادی دولت برآشفتن و آن را به باج‌خواهی مجلس از دولت تعبیر کردند. اما چرا عدم اعتماد مجلس به وزیر پیشنهادی دولت آنقدر بر اصلاح‌طلبان گران آمد؟ در حقیقت به نظر می‌رسد که اصلاح‌طلبان رادیکال دیگر امید چندانی به دولت روحانی ندارند و تمام تلاششان آن است که بعد از این چهار سال، گزینه مستقلی برای انتخابات دوازدهم داشته باشند و حالا در پی ملتعب کردن فضای دانشگاه‌ها و ایجاد زمینه‌ای برای بازسازی خود هستند.

نباید فراموش کرد که دانشجویان که منسجم‌ترین، کارآمدترین و پرتحرک‌ترین انقلابیون در میان روشن‌فکران هستند بنابر این اصلاح‌طلبان رادیکال می‌کوشند تا با در اختیار گیری فضای دانشگاه دوباره فضای اجتماعی‌ای مشابه سال‌های دوم خرداد را ایجاد کنند. ایجاد چنین شرایطی در حقیقت می‌تواند نوعی اهرم فشار باشد که با آن روحانی را بعداً تحت فشار و سیطره خود قرار دهند و حتی زمینه‌هایی را برای کودتا علیه دولت روحانی فراهم کنند.

اما عدم انتخاب نیلی از سوی بهارستانی‌ها تیرهای آنان را به سنگ زده است و در این میان است که وزیر علوم دوران اصلاحات طی مطلبی مجلس را به باج‌خواهی از دولت در مسئله رای اعتماد به وزیر علوم متهم کرد. مصطفی معین وزیر اسبق علوم، در صفحه خود در فیس بوک آورده است: مردم در ۲۲ خرداد ۱۳۹۲ با آگاهی و امید به جایگزینی «اصلاح و اعتدال» به جای «افراطی‌گری و تحجر» رای دادند و دولت تدبیر و امید کار خود را آغاز نمود.

در این دولت، اکنون حدود یکسال و نیم است که وزارتخانه علوم، تحقیقات و فناوری و متولی اصلی پیشرفت و توسعه علمی ایران و به تبع آن دانشگاه‌ها، هنوز نتوانسته‌اند از یک مدیریت باثبات و پایدار برخوردار شود! پس با توجه به سرعت شگفت‌انگیز تحولات علم و فناوری در جهان، دیگر صحبت از توسعه و پیشرفت علمی و قدرت اول علم و فناوری در منطقه شدن فقط یک شعار خواهد بود!

معین در ادامه مطلب خود با اشاره به برکناری و یا عدم توفیق وزرای علوم ادامه می‌دهد: در ابتدا مجلس به دلایل واهی به آقای دکتر میلی منفرد رای اعتماد نداد، سپس با فتنه‌گری و فضا سازی از معرفی آقای دکتر توفیقی جلوگیری شد، در مرحله بعد رای اعتماد داده شده به آقای دکتر فرجی‌دانا به فاصله کمتر از یکسال باز پس گرفته شد و در نهایت به آقای دکتر نیلی نیز رای اعتماد داده نشد! بنظر من این نوع تقابل و یا باج‌خواهی از یک دولت تازه تشکیل و در واقع بازی با مصالح کشور، در طول سال‌های پس از انقلاب بی‌نظیر بوده است!

وزیر اسبق دوران اصلاحات با متهم کردن ضمنی مجلس به سکوت در برابر فسادهای ادعایی از طرف دولت نهم می‌نویسد: به یاد دارید که این همان مجلسی است که با تایید، سکوت و نظاره‌گری خود عملاً شریک هشت سال ترویج آلودگی و فساد، تخریب بنیان‌های اخلاقی - فرهنگی و زیرساخت‌های اقتصادی کشور در دولت‌های نهم و دهم بود. شریکی که در عین حال به عنوان وکیل مردم، شاهد فقر روزافزون موکلین خود هم بود و دم نزد؟! در چنین و انفسایی است که فرهیختگان صدیق و فرزانه دانشگاهی نمی‌توانند و نباید در انتظار رای اعتماد از این مجلس بود.

علی‌رغم این اظهارات، می‌توان دریافت که نمایندگان مجلس انصاف‌پاد و نگاه حزبی و گروهی و به صورت واقع بینانه به نیلی احمدآبادی رای عدم اعتماد دادند. شعار کلیدی دولت یازدهم «اعتدال» است. اما به نظر مجلس در برخی رفتارها، نشانه‌ای از اعتدال دیده نمی‌شود.

بسیاری با ارزیابی جلسه مجلس بر این باورند که اگر نمایندگان مجلس به نیلی احمدآبادی رای اعتماد می‌دادند، جای تعجب بود چرا که وضعیت وی هنوز برای تصدی‌گری مسئولیت ریاست دانشگاه تهران مشخص نیست و در این شرایط سپردن مسئولیت کلان‌تری در سطح وزارتخانه به وی عاقلانه نبوده و به نظر نمایندگان کسی که سوابق حضور در فتنه ۸۸ را داشته است نمی‌تواند از عهده این مسئولیت برآید.

البته باید گفت که نمایندگان مجلس به تبعیت از اظهارات رهبر معظم انقلاب که تاکید کردند دانشگاه‌ها نباید به باشگاه سیاسی تبدیل شوند به نیلی نه گفتند و این موضوعی است که نباید دولت از آن غافل شود.



فتنه‌گران اگر قانون را قبول داشتند

آشوب به پا نمی‌کردند

آقای مطهری چه تضمینی می‌دهد که در صورت محاکمه سران فتنه آنها و حامیانشان با توجه به سوابق قانون‌شکنانه خود به حکم قانون تمکین کنند؟

وبسایت الف ضمن طرح این سؤال به نقد نامه مطهری به آیت الله جنتی پرداخت که مدعی شده بود، باید موسوی و کروبی از حصر خارج شوند و به درخواست خود آنها مورد محاکمه قرار گیرند.

الف می‌نویسد: اگر دادگاهی برگزار و رأی صادر و مورد اعتراض متهمان واقع شد و دوباره بعد از بررسی در دادگاه تجدیدنظر و دیوان عالی کشور، حکم نهایی صادر شد، آیا آقای مطهری تعهد و تضمین می‌دهند که به آن رأی احترام گذاشته شود؟ یعنی آیا کسی که شورای نگهبان را قبول ندارد می‌تواند دادگاه انقلاب را قبول داشته باشد؟ چه تضمینی وجود دارد که کسی که یک بار عهده‌شکنی کرده است، مجدداً تکرار عهده‌شکنی نکند؟

الف ادامه می‌دهد: آقای مطهری در انتهای نامه‌شان نوشته‌اند: «... و البته آنها پس از آزادی، مصالح کشور و انقلاب را رعایت خواهند کرد». آیا ایشان می‌توانند ضمانت دهند که این دو نفر پس از آزادی، مصالح کشور و انقلاب را رعایت خواهند کرد؟ و اگر آنها پس از آزادی، مصالح کشور و انقلاب را رعایت نکردند با آنها چه رفتاری باید بشود؟

نویسنده همچنین می‌پرسد: اگر نامزدهای انتخابات سال ۹۲، ادعای تقلب می‌کردند و نتایج انتخابات را صحنه آرای و شعبه‌بازی می‌نامیدند و مشروعیت آقای دکتر حسن روحانی را زیر سؤال می‌بردند و در اعتراض طرفدارانشان، اتوبوس و اماکن عمومی آتش زده می‌شد و وقایعی مشابه وقایع سال ۸۸ تکرار می‌شد، آیا برخورد با ایشان لازم بود و یا نبود؟ در حالی که آقای روحانی تنها با ۲۵۰ هزار رأی بیشتر رئیس جمهور شده بودند و سال ۸۸ اختلاف آرا یازده میلیون بود و به قول آقای مصطفی تاجزاده که خودش روزی برگزار کننده انتخابات بود، حتی احتمال یک میلیون تقلب هم محال است چه رسد به این اختلاف. آیا دفاع از رأی آقای روحانی وظیفه شورای نگهبان نمی‌بود؟

قبلاً از آقای مطهری نقل شده که رهبری در پاسخ به درخواست محاکمه آقایان موسوی از سوی ایشان فرموده‌اند: «من قبلاً درباره بصیرت صحبت کرده‌ام و اینکه نباید راه شهدا و راه انقلاب را گم کنیم. جرم این‌ها بزرگ است و اگر امام (ره) بودند شدیدتر برخورد می‌کردند. اگر این‌ها محاکمه شوند حکمشان خیلی سنگین خواهد بود و قطعاً شماراضی نخواهد بود. ما اکنون به این‌ها ملاحظت کرده‌ایم. آیا اگر حکم سنگینی برای آقایان موسوی و کروبی بریده شود، آیا ایشان راضی خواهند بود؟»



تق تق، لگو!

به نظر شما وقتی به نوجوان، یا یک کودک ایرانی می‌خواد به الگو برا خودش انتخاب کنه کدوم یکی از گزینه های زیر رو انتخاب می کنه؟

۱- بتمن ۲- حسین فهمیده ۳- امین حیایی ۴- مرد عنکبوتی

تعارف که نداریم بیشتر شما همه گزینه ها رو می گید به جز دومی.

شاید به خاطر این باشه که کودک یا نوجوان ما افراد بالا رو در متن زندگیش میبینه و حسشون میکنه، اول به کتاب ازش می خونه، بعد کلی فیلم ازش میبینه، آخرشم به عنوان لوازم تحریر و پوستر و کلی چیز دیگه وارد زندگیش می کنه... وقتی اینهمه راه هست، چرا باید این چیزها از یادش برن و هر لحظه کنج ذهنش نباشن؟

این از فعالیت این جبهه ی فرهنگی، این هم از صدا و سیما می که باید منبع رویا پردازی و انسان پروری باشد. بدبختی اینه که صدا و سیما هم داره کسانی رو الگو میکنه که به هیچ وجه الگوی خوبی نیستن! فقط کافیه تو به فیلم بازی کنه! بعد میره تو دو سه تا از برنامه های پوچ صدا و سیما و همینطوری معروف میشه و تبدیل به به الگو میشه برای عقول ظاهر بین!

ولی وقتی جوون ما وارد دنیای مجازی میشه کلی تضاد می بینه. از عکس هایی که از این بازیگر هر روز با ژست های ناجور گرفته شده بگیر تا توی شبکه های اجتماعی که در مورد هر موضوعی اظهار نظر میکنه و خودشو جزء روشنفکرای جامعه میدونه. در نهایتم میشه سفیر فرهنگی ایران در آرژانتین، و با اون وضع اسف بارش توی جام جهانی ظاهر میشه.



واقعا چرا باید زن و مردی که توی چهل سالگی هنوز موفق به تشکیل یک زندگی نشده اند، یا اینکه چندین مرتبه مهر طلاق به پیشانیشان خورده، در مناسبت های مختلف از جمله اعیاد مذهبی و باستانی، در غم و شادی، به رسانه ی ملی دعوت بشن؟ یا ایها المسؤول! برای منی که نگران فردای خودم هستم هم چند دقیقه در لیست پخش برنامه اختصاص بده!

واقعا چرا صدا و سیما یکی از توصیه های امام رو فراموش کرده و به جای اینکه به مردمان ارزش بده، استقلال بده، تمام کارها رو سپرده دست به سری افراد خاص؟ واقعا در چند درصد برنامه های تلویزیون که به قول خودشون فرهنگ ساز و الگو سازه چادر به عنوان حجاب برتر انتخاب شده؟ (شاید دیالوگ عاطفه در سریال ستایش رو یادتون بیاد که گفت با به انتخاب درست عاقلانه شوهر کرد، بعدشم چادرش رو برداشت اما ستایش که نماد افراد زجر دیده جامعه است همون چادر را داره)

آره اینه حرف دل ما که ای کاش شنیده میشد... کاش کمی برای اسطوره هامون اهمیت قائل می شدیم. کاش شهدامون رو فقط به اسم خیابون نمی شناختیم. کاش اسطوره هامونو درست می شناختیم. کاش تو زندگیمون جایی براشون میذاشتیم.

اما من و شما ی معلم وظیفه مون سنگین تره چون می تونیم برای فراگیران الگو باشیم و الگو معرفی کنیم. یادمون نره تو خونه ای که رسانه حرف اول و آخر رو میزنه، من و شما وظیفه مون سنگین تره...

۸۰ درصد مردم با وام و ربا بسر میبرند باید

برای اقتصاد ربا فکری شود

به گزارش خبرنگار مهر، آیت الله جوادی آملی با بیان تعریفی از عدل گفتند: در نظام غیر الهی چیزی به نام منبع وجود ندارد که به آن استناد کنند بنابراین وقتی حزب الله از مرزهای خود دفاع می کند آنها را تروریست می نامند.

آیت الله جوادی آملی در بخش دیگری از سخنان خود با تاکید بر لزوم رفع مشکلات مردم و نقش مجلس در راستای رفع موانع تولید از وضعیت موجود بانک ها و ارائه تسهیلات با سود زیاد ابراز گلایه کرد و گفت: این بانک ها سودهای کلانی از مردم دریافت می کنند و در حال حاضر ۸۰ درصد مردم با وام و ربا بسر میبرند و باید برای اقتصاد ربا فکری شود.

وی پرداخت وام با سودهای کلان را به ضرر تولید ملی دانست و اظهار داشت: ما به هر کسی در مورد این وام ها و تولید گفتیم، گفت که این وام ها برای تولید صرف نمی کند.

وی ادامه داد: وقتی تسهیلات بانکی با سود ۲۰ درصد ارائه می شود این سودها بعد از ۵ سال ۱۰۰ درصد می شود و چیزی برای کسی که وام گرفته نمی ماند و شخص باید تا آخر عمر بدهکار باشد و چه بسا جای او در زندان باشد.

آیت الله جوادی آملی تصریح کرد: ما خودمان را فریب ندهیم؛ ما مثل کسی که قلیش ۸۰ درصد از کار افتاده و با ۲۰ درصد کار می کند هستیم. تعارف هم نکنیم، با ۲۰ درصد زنده ایم و ۸۰ درصد با ربا بسر میبرند.

وی با اشاره مجدد به ماهیت مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: ما منبع را کنار گذاشتیم و خیال می کنیم که کار مجلس قانون گذاری است در صورتی که قانون گذاری فقط کار خداوند است.



از شبکه‌های اجتماعی تا اسید پاشی

اینترنت رشد می‌کند، کاربران افزایش می‌یابند، نگاه‌ها وسعت می‌یابد و به دنبال آن توقعات و برداشت‌ها نیز از موضوعات مختلف پخته‌تر می‌شود و با توجه به همین موضوع اگر در چارمندی‌های دچار غفلت و یا ضعف شویم، آثار آن گریبان‌گیر جامعه خواهد شد و به عبارتی دود آن در چشم خودمان می‌رود.

شاید اکنون استفاده از شبکه‌های اجتماعی به عنوان یک نیاز مطرح شده و در عمل شاهدیم که کاربران در تعامل با آن از موقعیت‌های مختلفی برخوردارند.

به گفته کارشناسان استفاده از شبکه‌های اجتماعی به همان میزان که می‌تواند مخرب باشد به همان میزان هم مفید هستند چرا که در اطلاع‌رسانی‌های جمعی و فوری فوق‌العاده کارا هستند و ارتباطات بین افراد نیز تقویت می‌شود و به عنوان مثال دو دوستی تبادل نظر کنند و بهترین راه را بر می‌گزینند. اگر همه افراد از شبکه‌های اجتماعی این گونه استفاده کنند بسیاری از مشکلات جامعه در مورد این شبکه‌ها برطرف می‌شود و ما متأسفانه شاهد این گونه مطالب از جمله شایعه پراکنی و انتشار اخبار نادرست از یک حادثه که باعث اختلال در نظم جامعه می‌شود مانند حادثه دلخراش اسید پاشی نخواهیم بود. یک نمونه از سوءاستفاده‌ها انتشار اخبار کاذب در این شبکه‌ها بدون ذکر منبع است که متأسفانه این گونه شایعات بسیار سریع تر از واقعیات منتشر می‌شوند و باعث برهم زدن نظم در جامعه می‌شوند و با این کار با اختیار خودمان به کشور صدمه زده ایم و فرصت را به افراد سودجو می‌دهیم تا آن‌ها با امکانات و راه‌های ارتباطی خود به این شایعات پر و بال داده و آن را به طور وسیع تری منعکس کنند.

نمونه دیگر این شایعات در مورد اسید پاشی است.

طبیعی است که ۴ بار اسید پاشی، اکنون مردم را بدبین و نگران کرده و حتی خبر دستگیری چند مظنون در ارتباط با این پرونده، آرام و قرار را به دل آنها برنگردانده باشد، شاید چون هنوز، اطلاع‌رسانی دقیقی در این زمینه انجام نگرفته و مراجع امنیتی اطلاعات کاملی در اختیار مردم قرار نداده و آنها حتی نمی‌دانند با یک مجرم اسید پاش طرف شده‌اند یا گروهی از مجرمان که تصمیم دارند در ترووی دسته جمعی، استان شان را ناامن کنند.

ظاهراً دروغ پردازی رسانه‌های خارجی و قضاوت سوگیرانه آنها در این حوادث کافی نیست و حالا برخی رسانه‌های داخلی و شبکه‌های اجتماعی هم با ارائه اخبار دروغ، مردم را نسبت به راستگویی رسانه‌ها و شبکه‌ها و مطالعه اخبار بدبین کرده‌اند و برای افزایش شمار مخاطبان شان، در چند روز گذشته اخباری نادرست ارائه داده‌اند. برخی‌ها تلاش کردند تا ماجرای اسید پاشی‌ها را چالشی مذهبی جلوه دهند و آن را به عنوان حرکتی از سوی گروهی متعصب مذهبی در اصفهان معرفی کنند حال آن که چنین چیزی نیست و تنها یک فضا سازی علیه ارزش‌های اسلامی و اخلاقی به شمار می‌رود. آخرین قربانی اسید پاشی که بیش از دیگران آسیب دیده است «سهیلا جورکش» نام دارد که هم اکنون در بیمارستانی در تهران بستری است. شدت سوختگی او به حدی زیاد است که پرستارها ناچارند هر بار برای پاتسمان بدنش، او را بیهوش کنند.

به گفته والدین سهیلا، مردمی که برای کمک به دخترشان اطرافش جمع شده‌اند از علت فریادهای دختر بی‌خبر بوده‌اند و در لحظات اول گمان کرده‌اند او دچار جنون شده است و او را بار دیگر به داخل خودرویش برگردانده‌اند در حالی که داخل خودرو پر از اسید بوده و این کار باعث شده است سطح وسیع تری از بدن سهیلا دچار سوختگی شود.

خوشبختانه در ماه‌های گذشته شاهد بودیم که رییس پلیس فتا استان تهران اعلام کرد پلیس سعی ندارد با فیلتر کردن سایت‌ها دسترسی مردم را محدود یا قطع کند چرا که هدف از راه‌اندازی پلیس فتا حمایت از مردم در شبکه‌های اینترنتی و مجازی است و پلیس سعی ندارد با فیلتر کردن سایت‌ها دسترسی مردم را محدود یا قطع کند.

فرهنگ‌سازی از راهکارهای اساسی هر حوزه‌ای برای کاهش تخلفات و جلوگیری از برخی سوءاستفاده‌ها است چرا که آگاهی مردم و کاربران در ارتباط با آن ارتقاء می‌یابد و به واسطه آن‌ها دیگر شاهد برخی استفاده‌های ساده‌لوحانه از این محیط نخواهیم بود.

منبع اخبار نقل شده از اسید پاشی: jamejamonline.ir

کوکاکولا و داعش

شرکت کوکا کولا اخیراً در طراحی جدید خود عبارتی در تایید و حمایت از گروه تروریستی داعش به کار برده است.

رسانه‌های غربی اخیراً تصاویری از نوشابه‌های کوکا کولا را منتشر کردند که معادل انگلیسی داعش (Isis) بر روی برچسب تبلیغاتی آن نقش بسته است.

عبارت نوشته شده بر این نوشابه بدین صورت است که «از نوشابه کوکا کولایتان به داعش هم بدهید».

این موضوع به سرعت توجه اهالی رسانه‌ها به خود جلب کرد و در فضای مجازی و مطبوعات سرو صداهای بسیاری به راه انداخت.

رئیس اداره بازاریابی شرکت کوکا کولا در پاسخ به هجمه‌های وارد شده مدعی شد که هرگز منظور کوکا کولا از کلمه Isis داعش نبوده و منظورشان الهه مصر باستان است.

«جان استاموس» در این باره اظهار داشت: به نظر ما همیشه یک شانس برای برقراری صلح و ایجاد رابطهای دوستانه میان ادیان وجود دارد و این مهم می‌تواند با نوشتن یک کوکا کولا ی خنک در دقایقی از روز حاصل شود.

حال این سوال مطرح است که چرا شرکت کوکا کولا با گذشت ۱۲۸ سال از ابداع فرمول اولیه این نوشیدنی (از سال ۱۸۸۶) اکنون به فکر صلح جهانی افتاده؟ اکنون که پدیده تکفیری داعش با نام اختصاری Isis به جنایات فجیع روی آورده است؟

برای بررسی دقیق این اقدام باید توجه داشت که کوکا کولا یک محصول آمریکایی نیست، بلکه یک صهیونیست سرمایه‌گذار آن است.

با عنایت به این مهم و علم به اینکه بسیاری از اعضای گروه‌های تروریستی معارض دولت سوریه در سرزمین‌های اشغالی درمان شدند و «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر این رژیم به عیادت آن‌ها رفته، فهم موضوع را ساده‌تر خواهد کرد.

جمع‌بندی مطالب فوق، باورپذیری سخنان رئیس اداره بازاریابی شرکت کوکا کولا را مشکل خواهد کرد و به این نتیجه می‌رسیم که به کار رفتن کلمه Isis در برچسب‌های تبلیغاتی نوشابه کوکا کولا صرفاً تایید گروه تروریستی داعش و حمایت علنی از آن است.



دانشگاه فرهنگیان و تاریخ به قدمت یک قرن (۲)

تربیت معلم، قبل از دانشگاه تهران

بعد از انقلاب مشروطه و پیروزی آن در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ هـ.ش، مجلس شورای ملی برای نخستین بار در ۹ آبان ۱۲۹۰ هـ.ش قانون تعلیم و اجباری را مصوب کرد و در همان سال اجازه داده شد ۳۰ نفر دانشجو به خارج از کشور اعزام شوند و جالب است بدانید ۱۵ نفر آنها برای معلمی و تحصیل در رشته تعلیم و تربیت بوده و ۸ نفر برای علوم نظامی و ۷ نفر برای تحصیل در رشته های علوم مهندسی اعزام شده بودند. می توان گفت نخستین مرکز تربیت معلم در سال ۱۲۹۸ هـ.ش به نام دارالمعلمین مرکزی به ریاست ابو الحسن فروغی، برادر محمد علی فروغی، تأسیس شد و این در حالی است که دانشگاه تهران که به دانشگاه مادر ایران معروف است در سال ۱۳۱۵ آغاز به فعالیت کرده است، یعنی تربیت معلم از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده است که چندین سال قبل از دانشگاه تهران ایجاد شده است.

و چندین سال بعد از دارالمعلمین، دارالمعلمیات که ویژه خواهران بود، تأسیس شد. در سال ۱۳۰۷ قانونی به تصویب رسید که دولت وقت را موظف می کرد تا ۶ سال آینده، هر سال ۱۰۰ نفر از میان فارغ التحصیلان دبیرستان ها به اروپا اعزام کند که ۳۵٪ آنها باید در رشته های تعلیم و تربیت تحصیل می کردند یعنی برای معلمی آماده می شدند.

در سال همان سال ۱۳۰۷، دارالمعلمین مرکزی به دارالمعلمین عالی تبدیل شد و برنامه تربیت معلم متوسطه پایه گذاری شد و در واقع دارالمعلمین عالی جایی برای تربیت دبیر بود.

ادامه در ستون سوم



دانشگاه فرهنگیان چه خبر است؟!

روزنامه کیهان، ۱۳۹۳/۹/۳، کد خبر: ۲۲۱۲۲

اشاره:

برای چندمین بار بود که وزیر آموزش و پرورش از کمی بودجه وزارتخانه اش گله می کرد؛ علی اصغر فانی هفته گذشته گفت که اگر چه بودجه آموزش و پرورش افزایش داشته است، اما باز هم نیازمند به خصوصی سازی در آموزش و پرورش هستیم. وزیر تأکید کرد که از کل بودجه آموزش و پرورش، ۹۹ درصد آن صرف حقوق کارکنان می شود و تنها ۱ درصد باقی مانده به آموزش و پرورش و کیفیت آن اختصاص دارد! اگر چه تلخی این واقعیت، پنهان شدنی نیست، اما جایجایی مالی و سوء مدیریت در چنین شرایطی، قوز بالا قوز است! مطالب زیر را خوانندگان فرهنگی کیهان به دفتر روزنامه ارسال داشته اند که گویای سوء مدیریت مالی در وزارت آموزش و پرورش و تضییع مستمر حق الناس، آن هم در لوای بخشنامه های ابلاغی است! هر یک از این دو مطلب، شفاف سازی مسئولان این وزارتخانه را می طلبد، و البته گفتنی های دیگری هم در این مورد وجود دارد!

دانشگاه فرهنگیان، دانشگاهی است که می بایست مبدا تحولات جامعه باشد و به پرورش روح و فکر معلمان آینده این سرزمین پردازد؛ باروی کار آمدن دولت تدبیر و امید، امید می رفت اوضاع کلی این دانشگاه سر و سامانی بیابد، اما متأسفانه این روزها به حاشیه هایی نامسیمون گرفتار آمده است. طبق تبصره ذیل ماده ۶ قانون متعهدین خدمت به وزارت آموزش و پرورش، دانشگاه فرهنگیان به جهت شبانه روزی بودن موظف است امکانات رفاهی عمومی از قبیل خوابگاه، سلف سرویس و... که در سایر دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی ارائه می شود در اختیار دانشجو معلمان قرار دهد و در مقابل، هزینه ارائه این خدمات، متناسب با سایر دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی از وجوه پرداختی به دانشجو معلمان کسر گردد و همچنین مادامی که خدماتی ارائه نمی گردد طبعاً باید هزینه ای از دانشجو معلمان دریافت گردد. به موجب تفاسیر سلیقه ای که هر دوره توسط مسئولین دانشگاه صورت پذیرفته در بازه های زمانی متفاوت، هزینه های مختلفی بابت استفاده از امکانات رفاهی عمومی از دانشجو معلمان کسر گردیده است. برای مثال ترم بهمن ۹۱ در اکثر پردیس های دانشگاه فرهنگیان از دانشجو معلمان فقط ۳۰۰۰۰ تومان، ترم مهر ۹۲ در برخی پردیس ها ۱۲۰۰۰ تومان و در برخی دیگر نیز مبالغ بیشتری از دانشجو معلمان دریافت شد. اما این پایان ماجرا نبود و از ابتدای بهمن ۹۲، طبق بخشنامه به شماره د/۵۲۶۹/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۹/۱۹، ماهیانه ۴۵ درصد از حقوق هر دانشجو معلمی که از امکانات خوابگاه و سلف استفاده می گردد کسر گردید.

موارد نقض صریح قانون در این بخشنامه کم نیست: مورد اول: طبق تبصره ذیل ماده ۶ قانون متعهدین خدمت به وزارت آموزش و پرورش، هزینه هایی که بابت امکانات رفاهی عمومی از وجوه پرداختی به دانشجو معلمان کسر می گردد می بایست متناسب با سایر دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی باشد اما در حال حاضر طبق بخشنامه به شماره د/۵۲۶۹/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۹/۱۹، ماهیانه ۴۵ درصد از حقوق یک دانشجو معلم صرفاً به جهت هزینه خوابگاه و غذا کسر می گردد، یعنی ماهیانه تقریباً ۲۰۰۰۰ تومان که جمعاً به ازای هر ترم بیش از ۸۰۰۰۰ تومان می شود. آیا حتی یک دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی هم به این میزان بابت هزینه خوابگاه و غذا می پردازد؟!

مورد دوم، کسر از حقوق دانشجو معلمان در ایامی همچون تابستان، عید نوروز و سایر تعطیلاتی است که دانشجو معلمان از هیچ کدام از خدمات دانشگاه فرهنگیان (خوابگاه و غذا و...) استفاده نمی کنند. این در حالی است که طبق تبصره ذیل ماده ۶ قانون متعهدین خدمت به وزارت آموزش و پرورش تنها زمانی می بایست از حقوق دانشجو معلمان هزینه کسر گردد که از امکانات رفاهی عمومی نظیر خوابگاه و غذا و... استفاده کنند. مورد نقض آشکار این قانون را در بخشنامه به شماره د/۲۷۶۵/۵۰۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۴/۲۱ دانشگاه فرهنگیان که به قانون مذکور نیز استناد کرده است می توان یافت. یعنی حتی در ایام تابستان، از تیر ماه سال جاری به میزان ۴۵ درصد از حقوق دانشجو معلمان در قبال خدماتی که دانشگاه فرهنگیان به ایشان ارائه نداده کسر می گردد. (تصور فیش حقوقی) آیا این نقض صریح قانون نیست؟ مگر در تابستان چه خدماتی به دانشجو معلمان ارائه می شود که ۴۵ درصد از حقوق آنان کسر می گردد؟!

توضیح: متن بالا، مربوط به شهر یور ماه سال جاری می باشد، و برخی از آنها از جمله ۴۵٪ کسر حقوق تابستان به ۱۰٪ کاهش یافته است.

ادامه ستون اول

و به دو بخش علمی و ادبی تقسیم شد و بعضی استادان این دارالمعلمین عبارت بودند از: عباس اقبال آشتیانی، معلم جغرافیای انسانی و تاریخ، محمود حساسی، معلم فیزیک، عبدالحسین شیپانی، معلم تاریخ، بدیع الزمان فروزانفر، معلم ادبیات فارسی، اسدالله بیژن، معلم علوم تربیتی.

در سال ۱۳۱۲ دارالمعلمین عالی هم منحل شده و به دانشسرای عالی تبدیل شد و بعد از تأسیس دانشگاه تهران، بخش ادبی آن به دانشکده ادبیات و بخش علمی آن نیز به دانشکده علوم تبدیل شد و دانشسرا عملاً در دانشگاه تجزیه شد... تا اینکه در سال ۱۳۳۸ دوباره دانشسرای عالی با تصویب قانون استقلال یافت و دوباره فعالیت تربیت دبیری اش را از سر گرفت.

در سال ۱۳۵۳، دانشسرای عالی به دانشگاه تربیت معلم تغییر نام یافت و از سال بعد، به دانشجویان تربیت معلم به عنوان کارآموز حقوق پرداخت شد.

اما بعد از انقلاب برای اولین بار در سال ۵۸ تربیت معلم، حدود هفت هزار نفر نیرو جذب کرد اما در سال ۵۹ به دلیل مشکلات، پذیرش متوقف شد و دوباره در سال ۶۰ از طریق کنکور حدود ۱۹ هزار دانشجو جذب کرد و البته با قالب جدید و بانام دوره شهیدان رجایی و باهنر، که با پیام امام خمینی (ره) کار خود را آغاز کرد.

در سال ۶۲ اساسنامه مراکز تربیت معلم به تصویب رسید و در طی دهه هفتاد مراکز تربیت معلم چندین بار متوقف و دوباره شروع به کار کردند.

تا اینکه سوم آذر سال ۸۷، علی احمدی خبر از تأسیس دانشگاهی بانام فرهنگیان داد و در دهم اسفند سال ۸۹ برای چندمین بار نظام تعلیم و تربیت تغییر کرد و عملیات تربیت معلم جایش را به دانشگاه فرهنگیان داد و این شد آغازی بر یک پایان.



مهر داد نوروزی

یادداشت مهمان

گفتند نگویید کاندیدا...

رای گیری شورای صنفی و رفاهی یادتان هست...

مگر می شود یادتان برود صداقت این چهار کلمه کنار هم نشسته را...!! گفتند نگویید کاندیدا...

کاندیدا کلمه ای بیگانه است به جای آن بگویید نامزد... نمی دانند ما سواد درست و حسابی نداریم گاهی نقطه این کلمه جایگزین یادمان می رود...

قسمت است.. کاریش نمیشود کرد... قسمت افرادی است که شایسته آنند.. زور گیری می کنند... پول؟؟؟ نه!!!!... رأی....

دوستم خندان وارد خوابگاه شد. گفتم چرا می خندی؟ گفت رفتم رأی بدهم گفتند نمی توانی. گفتم آخه چرا؟ گفتند جلو اسمت تیک خورده... تازه بدیهکار هم شدیم معلوم نیست چه کسی یا کسانی جای دوستم شاید هم دوستانم تقبل زحمت نموده اند...

ناظر های انتخابی بی طرف ما هم انگار یکطرفه کشیدند

چی بود تو جامعه شناسی می خواندید؟؟؟...

آهان مناسبک پرستی....

چقدر دویدن را دوست داریم... کسی بگوید کدام طرف می دویم یا فقط می دویم!!!

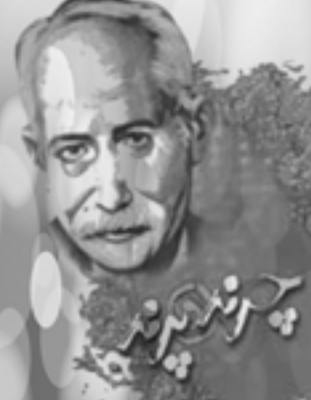
شاید داریم تمرین میکنیم... نمی دانم...

این روزها چرند و پرند زیاد می گویم...

گفتم چرند و پرند یاد ده خدا افتادم...

او هم می گفت بهترین را انتخاب کردم...

البته در کلفتی گردن نه ناز کی تیغ حرف....



دانشجو ساکت نه ماند

طبق آخرین بخشنامه منتشر شده از طرف دانشگاه فرهنگیان، دانشجویان صرفاً به دو گروه زیر تقسیم می شوند:

الف) کسر ۴۵٪ از حقوق و مزایای دانشجویانی که از امکانات شبانه روزی (از قبیل خوابگاه و غذا و...) به طور کامل در طول هفته استفاده می نمایند.

ب) کسر ۲۵٪ از حقوق و مزایای سایر دانشجویان که از امکانات شبانه روزی (به استثنای خوابگاه) استفاده می نمایند. (افرادی که مشمول موضوع تردد می گردند.

همچنین در ادامه آمده است: در ایام تابستان ده درصد از حقوق دانشجویانی که مشمول پرداخت ۴۵ درصد می گردند کسر خواهد شد. موارد نقض قانون و یادآوری چند نکته:

۱) دانشگاه فرهنگیان معتقد است که باید ۴۵ درصد حقوق به دانشگاه داده بشه (۱۰ درصد بابت خوابگاه و ۳۵ درصد بابت غذا) به عبارت دیگر یک دانشجوی دانشگاه روزانه دولتی (دانشگاه فرهنگیان) بابت هفته ای ۳ روز استفاده از غذا و خوابگاه باید ماهانه حدود ۲۱۰ هزار تومان و ترمی حدود ۸۴۰ هزار تومان پول بده ؟؟؟؟؟؟؟

آیا دانشجوی دانشگاه آزاد (که یک دانشگاه غیر دولتی است) هم این مقدار پول بابت خوابگاه و غذا در طول یک ترم می دهد؟؟؟؟ معلوم نیست مبنای این محاسبه اونها کدوم رستوران های لوکس خارج از کشور است ؟؟؟ دانشگاه در این خصوص به مصوبات هیات امنای دانشگاه فرهنگیان استناد می کند.

این موضوع خیلی غیر منطقی است و هیات امنای دانشگاه نمی تواند برخلاف مصوبه مجلس چیزی را تصویب نماید.

قانون مصوب مجلس شورای اسلامی مقرر نموده که باید هزینه شبانه روزی و خوابگاه کسر بشه... و چیزی به عنوان کسر درصد حقوق نداریم.

دانشگاه موظف است هزینه های مقرر را طبق قانون دریافت کنند، مبنای این هزینه هم باید بر مبنای تعرفه های قانونی باشه که صندوق رفاه دانشجویان وزارت علوم هر ترم مصوب نموده و به دانشگاهها ابلاغ میکنه.

حال مثلاً اگر حقوق دانشجو ۱ میلیون تومان بود چون باید ۴۵ درصدش کم بشه به دانشگاه باید ۴۵۰ تومان ماهانه (و ترمی ۱۸۰۰ هزار تومان!) بده بابت خوابگاه و غذا ؟؟؟؟؟!!!! به دانشگاه ارتباطی ندارد که یک دانشجو چقدر حقوق میگیرد میخواد یک میلیون باشه یا هزار تومان... اونها موظف اند فقط هزینه های خوابگاه و غذا را طبق تعرفه های صندوق رفاه دانشجویان وزارت علوم کم کنن.

حسابداری و امور مالی آموزش و پرورش تحت نظر دانشگاه نیست که هر چی اونها گفتند از حقوق کسر کنند ؟؟؟؟؟ هر کی طبق اون عمل بکنه غیر قانونی عمل کرده و قابل تعقیب در مراجع قضایی و اداری و سازمان های نظارتی است.

۲) چرا در روزهای آخر هفته که حدود ۸۰ درصد دانشجویان در دانشگاه نیستند باید پول غذای این روزها گرفته شود ؟؟؟؟ چرا در تابستان که دانشجو معلمان از هیچ کدام از خدمات دانشگاه فرهنگیان (خوابگاه و غذا و...) استفاده نمی کنند باید ده درصد از حقوق کسر شود ؟؟؟؟ این در حالی است که طبق تبصره ذیل ماده ۶ قانون مستعهدین خدمت به وزارت آموزش و پرورش تنها زمانی می بایست از حقوق دانشجو معلمان هزینه کسر گردد که از امکانات رفاهی عمومی نظیر خوابگاه و غذا و... استفاده کنند. آیا این نقض صریح قانون نیست؟ مگر در تابستان چه خدماتی به دانشجو معلمان ارائه می شود که ۱۰ درصد از حقوق آنان کسر می گردد؟!

از طرف: جمعی از دانشجو معلمان خوزستان

استاد احمدوند

یادداشت استاد

مسابقه ای است که در نهایت،

به فهمیم همه در آن بازنده ایم

راستش سیستم آموزشی ما آنقدر مشکل دارد و امثال من آنقدر در این باره گفته و نوشته ایم و البته کسی هم توجه نکرده که دیگر از تغییر ناامید شده ایم؛ اما نکته قابل تأمل اینکه چرا والدین به این بازی تن در میدهند و بعضاً فرزندان خود را به خطر میاندازند. اینکه علاوه بر فشارهای مدرسه و خستگی ناشی از آن والدین هم فشار مضاعفی بر بچه ها وارد کرده و آن ها را مجبور میکنند در انواع کلاسهای تقویتی و کنکور بنشینند و یاد باره نمرات بچه ها زیادی حساسیت دارند، کار بسیار اشتباهی است که ممکن است عواقب روحی و روانی و حتی جسمی بدی در بچه ها به جای بگذارد.

حرص خوردن خانواده ها و رقابت عجیب آنها برای قبول شدن بچه ها در مدارس خاص و یاد دانشگاهها و رشته های خاص به قیمت خرابی روحیه آن ها، مسابقه ای است که در نهایت، گاهی هم سال ها بعد که عوارض این نوع رفتار مادر اخلاق و روحیات بچه ها ظاهر می شود، میفهمیم همه در آن بازنده ایم. اینکه فکر کنیم سرنوشت فرزندان ما فقط از راه درس خواندن تأمین میشود و بدتر اینکه اصلاً به علائق و احساسات آنها توجه نکنیم بزرگترین اشتباه ما است. من یک معلم هستم و با وجود قبولی پسر من در مدرسه تیزهوشان اجازه ندم اوبه این مدارس برود. این مدارس در دوران راهنمایی (متوسطه اول!) با فشار فراوان بر بچه ها روح نوجوانی و شادی و شادابی را از آنها میگیرند و آنها وقتی وارد دبیرستان میشوند خسته، افسرده، مضطرب و گاهی عاصی میشوند.

اگر از مسئولین آموزش و پرورش و معلم ها بپر سید تأیید میکنند که بیشترین مشکل را با دانش آموزان اول دبیرستان دارند که مجموعه ای از مشکلات را با خود به مدرسه جدید می آورند اگر کسی درسی که میخواند یا شغلی که انتخاب میکند دوست نداشته باشد یک عمر برده آن خواهد بود و از زندگی لذت نخواهد برد، حتی اگر پول زیادی هم به دست آورد.



حسین زین الدین

راحله جعفری

بادداشت مهمان

محمد احمدی نجات

عاشورا انقلاب یا انفجار؟

آزادی یعنی غیبت

عامل اصلی انقلاب زدید سازمان سیا

«مایکل برانت» کارشناس برجسته بخش شیعه‌شناسی سازمان «سیا» میگوید: «بعد از انقلاب اسلامی در ایران که منافع آمریکا را نه فقط در این کشور بلکه در تمامی منطقه به چالش جدی کشیده بود با همکاری سازمان اطلاعات خارجی انگلیس «MI6» و شماری از دیگر کارشناسان برجسته، پروژهای را با هدف شناخت «شیعه» و بررسی عوامل موثر در پیروزی انقلاب اسلامی ایران، طراحی کردیم. چرا که رشد فزاینده انقلاب اسلامی و پیامدهای آن در سایر کشورهای مسلمان بسیار خطرناک تلقی میشد. «مایکل برانت درباره نتیجه این بررسی میگوید: «ما و همکاران انگلیسی خود به این نتیجه رسیدیم که انقلاب اسلامی ایران فقط واکنش ایرانی‌ها به سیاستهای شاه نبود بلکه دو عامل اصلی در پیدایش و ادامه انقلاب نقش اساسی داشته است: «مراجعیت شیعه» که اصول و اعتقادات اسلامی را ترویج کرده و بر آن پافشاری میکند و عزاداری برای نوه پیامبر اسلام [امام حسین (ع)] که با گریه و غم و اندوه برای شهادت وی و زنده نگه داشتن ماجرای کشته شدن او در چند قرن قبل همراه است. شیعیان با یادآوری خاطره شهادت امامشان، برای مقابله با قدرتهایی که آنها را بیگانه و استعمارگر میدانند، انگیزهای قوی و مهارنشدنی میگیرند.»

برانت در بخش دیگری از گزارش خود میگوید: «سازمان سیا، در مرحله اول ۴۰ میلیون و در مرحله بعدی ۹۰۰ میلیون دلار به منظور یافتن راه حلی برای مقابله با دو عامل مرجعیت و عزاداری نوه پیامبر [ص] به این پروژه اختصاص داد و گروه کارشناسان مادر نهایی به این نتیجه رسیدند که مقابله مستقیم با دو عامل مورد اشاره نه فقط کارآمد نیست که نتیجه معکوس نیز دارد و راه کار موثر ایجاد تفرقه و ترویج دیدگاه‌های متفاوت با عقاید و باورهای رایج شیعه است.»

همین جا، اشاره به نظر حکیمانه امام راحل (ره) و خلف حاضر ایشان ضروری است که میفرمودند عاشورا و عزاداری‌ها برای ابا عبد الله الحسین علیه السلام اسلام را زنده نگه داشته است - انبوه احادیث و روایت اهل بیت (ع) در این باره که جای خود دارد - این نگاه یک برداشت ذوقی و سلیقه‌ای نیست بلکه از واقعیتی غیرقابل انکار حکایت می‌کند...

عالم همه در طواف عشق است و دایره در این طواف حسین است. محرم که می شود دل‌تنگ می شوی؛ دل‌تنگ می شوی به بهانه علی اکبرها و عباس هایش، به بهانه آن طفل شیرخواره و مظلومیتش، به بهانه حسین و هفتاد و دو یار بی یاورش، به بهانه زینب و صبوریش... وقتی بهشت را بین دو انگشت حسین می بینی شیفته عشق بازی با خدایت می شوی و وقتی وارد نبرد می شوی می بینی بهشت چیزی نیست، بهای مبارزه ات بهشت نیست؛ بهایت خدایی است که در خود گم شده ات پنهان است.

وقتی در لحظات آخر پیوست حرین ریاحی به سپاه حسین را می بینی، با خودت می گویی شاید با گذشت این همه سال، با انجام این همه کار، راهی هم برای بازگشت من باشد. راهی برای حسینی شدنم...

وقتی برادری عباس و حسین را می بینی و وقتی شهادت عباس به اقرار خود حسین قامت سرو ماندش را خمیده نمود، چیزی جز صمیمیت و وفاداری در ذهنت تداعی نمی شود. آن وقت این کوفیان بی وفارا بنگر که چگونه با نقض پیمان خود برهه ای از تاریخ را به نام خود کردند و بدنای خود را آوازه ی دنیایی ساختند. خدا نکند همسفر کاروان اسرا باشی، آن وقت باید زیر ضربه های این دین نمایان آبروداری کنی. خودت که مهم نیستی، باید از این آبادی به آبادی دیگر زینب وار بستگان حسین را آرام کنی؛ در حالی که خودت خسته ای و دل شکسته...

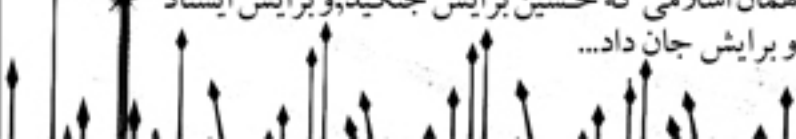
حسین جان، به راستی چرا با گذشت این همه سال هنوز زنده ای، هنوز تازه ای و هنوز جریان داری؟ راز ماندگاریت چیست؟ راز پایداریت آیا؟

و به راستی اگر من نیز آن روزها بودم و ندای یاری طلبی تو را می شنیدم با کدام سپاه دست دوستی می دادم؟! امروز می گویم محرم نه یعنی کاروان هفتاد و دو نفره، نه یعنی مظلومیت طفل شیرخواره، محرم نه یعنی تشنگی، نه یعنی زخم ها و خستگی... این ها همه بهانه اند...

بهانه اند تا من و تو راز اصلی این از جان گذشتگی را دریابیم. به قول دکتر شریعتی محرم یعنی لبیک گوی دادخواهی حسین بودن، یعنی مبارزه برای حفظ اسلام، مبارزه برای زنده نگه داشتن اسلام... و تو ای بانو! تو که برای محرم اسفند دود می کنی؛ تو که با شنیدن نام حسین سالار شهیدان بغض می کنی و می گری؛ تو که برایش روضه می سازی و با دیدن هیئت های حسینی به وجد می آیی؛ یادت باشد حسین تشنه آب نبود، حسین تشنه لبیک بود و دل‌باخته ی چادر خاکی مادرش زهرا (س)؛ افسوس که به جای آن زخم های تنش را نشانمان دادند و بزرگترین دردش را بی آبی نامیدند.

و تو ای آقا! ای برادر! تو که برای محرم زنجیر به دست می گیری؛ طبل می زنی؛ دور اجاق های حسین، سرور شهیدان نوحه می خوانی؛ نوای حسین سر می دهی؛ یادت باشد خیلی از آن هفتاد و دو نفر شبیه تو بودند، هم قد تو و شاید حتی با آرزوهای تو. اما آن ها از خواست قلبیشان گذشتند تا تو به خواست قلبیت برسی.

تا تو به آزادی برسی... و آزادی یعنی غیبت؛ یعنی عفت؛ یعنی اسلام... همان اسلامی که حسین برایش جنگید و برایش ایستاد و برایش جان داد...



اندکی است که از واقعه ناگوار عاشورا گذشته است، عاشورایی که به طور یقین نقش اساسی در سرزنده کردن اسلام داشت.

در این متن قصد داریم، به شخصیت های تاثیرگذار انقلاب کربلا بپردازیم:

در کربلا با سه نمونه روبرو هستیم، اول خود امام حسین (علیه السلام) را داریم که حاضر نیست تسلیم حرف زور بشود، همه چیزش را فدا می کند، بدنش زیر سم ستوران می رود اما زیر بار ظلم نمی رود، به طور خلاصه از آب می گذرد ولی از آبرو هرگز.

دوم یزید لعنت الله علیه را داریم که فرق زیادی با پسر مر جانه ندارد. به نحوی همه را تسلیم می خواهد، مخالف را تحمل نمی کند، حتی حاضر است مخالفین را با درهم و دینار دینشان را بخرد و چقدر مهم است ۳۰ هزار نفر دینشان را به مال دنیا فروختند و مفسد شدند و آخرت خود را فروختند. یزید نمی دانست پدرش معاویه با برق شمشیر حکومت کرده خود شمشیر، اما یزید با شمشیر حکومت کرد و مدت ها بعد از شهادت حسین (ع) سرنگون شد، اما دست آخر به چیزی که می خواست رسید. و بعد عمر بن سعد را داریم که تا روز ۸ محرم در تردید است، هم خدا را می خواهد هم خرما را. هم دنیا را می خواهد هم آخرت را، هم امارت ری را می خواهد هم احترام مردم را.

نه حاضر است از قدرت بگذرد نه از خوشنامی، هم آب می خواهد هم آبرو، و در انتها هم تنها کسی بود که به هیچکدام از چیزهایی که می خواست نرسید، جز تشنگی و بدنای هیچی برای خود باقی نگذاشت. چرا که او اولین تیر را به سمت خیمه های کسی زد که هم از پدر و هم از مادر برتر از همه بود.

جمله آخر: دوستان، ما گاهی اوقات نه یزیدی هستیم نه حسینی، من از عمر سعد شدن می ترسم. چرا که تکلیف خودمونو نمی دایم. خیلی ها بودند که نماز را پشت سر حضرت امیر می خوانند اما سر سفره معاویه غذا می خوردند. ما کجاییم؟؟

ادامه دارد...





محمود کریجی:

- در مورد سنج و طبل و... باید بگویم که قدمت آن بیشتر از خیلی از کارهای مربوط به هیئت است و حتی قدمت آن از سینه‌زنی هم بیشتر است. وقتی ما این کار را شروع کردیم افراد زیادی حساسیت نشان دادند؛ باید از این دسته پرسید که آیا همه مشکلات حل شده فقط مشکل ما سنج و طبل است که یک سوم ایرانیان بر حسب سستان استفاده می‌کرده‌اند.

ما را با توجه به احترامی که برای دوستان قائل بودیم، فقط به فرمایش رهبر انقلاب این وسایل را جمع کردیم؛ چون باور داشتیم که کار درستی را انجام می‌دهیم. یعنی اگر ایشان نمی‌فرمودند به کار خود ادامه می‌دادیم، چرا که به شیوه‌ای هنرمندانه ۵۰ هزار نفر را گرد آورده بودیم که به صورت شعاری (و نه نوایی) ^{۱۱} یا حسین می‌گفتند و به همین سبب این جلپ و سنج و سیله‌ای برای مبارزه با دشمن بود. به اصلش هم برگردیم این‌ها از وسائل جنگی به حساب می‌آیند، نه از ادوات موسیقی که برخی از دوستان چنین گفتند.

در هر صورت ما این وسایل را کنار گذاشتیم، چون ما آن را در هیئت تسهران شروع کردیم و الان نیز در هیئت‌های دیگر وجود دارد و مردم جنوب، مانند شیراز و بوشهر نیز سال‌ها از آن استفاده کرده‌اند. در هر صورت رهبر انقلاب فرمودند در داخل هیئت این کار وجود نداشته باشد و در بیرون از فضای هیئت مانعی ندارد، ما هم رعایت کردیم، برخی مواقع درباره این موضوعات برخی رسانه‌ها و افراد اظهار نظر می‌کنند که حرف آن‌ها غیر کارشناسی است و صرفاً به دنبال هیجان و هیاهو هستند و نتیجه‌ای جز شلوغ شدن فضا و ایجاد حواشی ندارد.

چند سطر با داکرین
اهل بیت (علیہم السلام)

اگر سید الشهدا (ع) سیاسی نیست، چرا در حرم آقا بمب می گذارند؟
آنان از حرکت امام حسین (ع) می ترسند. امام فرمودند حرکت
سید الشهدا (ع) سیاسی بوده و بلکه سیاسی ترین حرکت عالم بوده است.
فاسدترین آدم‌ها مانند یزید به سید الشهدا (ع) پیشنهاد دادند که ولایت
افلان سرزمین را به ایشان بدهند تا ایشان دست از حرکت و قیام
بردارند، اما ایشان نپذیرفتند.

- کسی که می‌گوید فقط امام حسین را هم نمی‌توانست بگوید، تهدید این کلام خیلی جدی‌تر از دشمن رو در رو است. ضرباتی که پیغمبر در احد خورد سخت‌تر بود یا ضرباتی که امیرالمؤمنین از نهروانی‌ها؟

مجلس

سیٹھ سید میر دادا داد:

یادم می آید در یک مراسمی مداح جوانی می خواند. و در طول یک ساعت و نیم عزاداری هیچ مطلب و فضائلی از اهل بیت گفته نشد. یکی از اسائیدی که در این مراسم حضور داشت از این مطلب بسیار ناراحت شده بود که چرا همه زمان صرف شور و سینه زنی شده بود. وقتی از آن مداح جوان در مورد این موضوع سؤال شد او گفت که ما باید جوایزان را در جلسات تخبه کنیم. استاد در جواب او جمله ای بیان کرد که همه ما را به فکر و سکوت واداشت. استاد گفت: «و طبقه ما تخبه کردن است یا پر کردن» خوب جواب ایشان واضح است. و طبقه این است که افراد پر از فکر و ایده و فضائل شوند. عمده ایرادی که به این قصه وارد می کنیم این است که حدود اندازه رعایت شود؛ شور باشد اما باید همراه باشم و شور کامل و بقیه غالب های لازم که در مداحی وجود دارد. اگر به اندازه باشد هم جاذبه دارد و هم بسیار مفید است و هم تخبه احساسات می شود. منبع: عشاق الحسن (۴)



منصور الرضوي:

مستغفانه امروزه شاهد هستیم جریانی به دنبال جدا کردن سه هفتت
مباحی از نهفتت علما و روحانیون ولای است. در تلویزیون صحبت
می کنند و می گویند در مساجد ما اصلا خرافات وجود ندارد. اگر
خرافات باشد در هیئت ها است! با دست خودشان دارند این نهفتت
مباحان را جدا می کنند و حال آنکه مباحان همواره مکه کامل این
حرکت بوده اند و از این حرکت پشتیبانی و پیروزی کرده اند. برخی
توجه ندارند و ما باید تذکر بدیم و بگوئیم.

زمان امیرالمؤمنین (علیه السلام)، زمان امام حسین (علیه السلام) و امام عسکری (علیه السلام) هم یک دسته دیگر بودند که دم از دین می زدند اما محتوا و حقیقت نداشت، الآن هم همینطور است. ما وقتی گوئیم نمازخوان ها و پرچمدارها و قرآن رو دست گرفتند سر ای عبدلله را کشتند، امام حسن (علیه السلام) را پاره چکر کردند سر ای عبدلله ما داریم این را می گوئیم، نمی گوئیم بهو دیان قتله اسمعه پرده عدا کردند. ما درباره انمه روا شده، مسلمانان ماها بودند. نماز می خواندند و اللهم قتلنی که درباره انمه روا شده، مسلمانان ماها بودند. سلطان بر آنها سوار شده بود. نیر وی شیطان شده بودند.

است امام می فرماید، مدرّس هم می گوید سیاست ما عین دین است. دین ما عاشقورای ما است. سیاست عین عاشقوراست. یعنی هسّمه علیه السلام) سیاسی بوده اما سیاسی کاری نبوده است. چه مرضی افتاده در پنده چرا مدّاح ها اینطور می کنند. شیخ: چرا اینو ز

عبد الرحمن صاهلاحي:

به وجه‌های فرهنگی زیادی دارد مصرف می‌شود اما جوانان ما بیشتر از فرهنگسرا به حسینیه و مسجد نیاز دارند، امام گفته بود مساجد را پر کنید میانگین بگیرد و ورودی و خروجی هیئت‌ها را بررسی کنید. خروجی هیئت‌های امام حسین (ع) را با خروجی بزرگ‌ترین فرهنگسرا در یک سال مقایسه کنید. هر هفته حدوداً هزار نفر در هیئت‌الرضا حاضر می‌شوند و در سال تقریباً ۱۰۰ جلسه برگزار می‌کنیم.

- من یک زمانی پیش مرحوم آیت‌الله خورشوقت سبک شور خردم که در آن سال‌ها همه می‌گفتند این چه سبکی است، می‌خوانی! یا پاپین! یکی از شاگردان ایشان پیش من آمد و گفت که آقای خورشوقت گفتند که سبک شور را ادامه بدهید خیلی زیباست ادامه بدهید و من بادم است ایشان چه برخوردی کردند و چقدر هم آن سال تحسین کردند.

- قضیه فتنه سال ۸۸ که ایجاد شد، خروجه‌ی و نتیجه‌ی هیأت امام حسین به صورت واضح مشخص شد. معیار و سنگ محک ما زمانی است که ببینیم در مقابل این حوادث نقش هیأت کجاست؟ ما زمانی می‌فهمیم که نقصان مثبت و تاثیرگذار بوده که یک فتنه‌ای یا یک برنامه‌ای به صورت اتفاقی برای این نظام و این انقلاب می‌افتد مثل سال ۸۸ یا با یک رنگ و بوی دیگر و شما ببینید بچه‌هیتی‌ها چگونه از آرمان‌های بلند انقلاب حراست و پاسداری می‌کنند. منبر، رزجانپور



دانشگاه به روایت تصویر



مراسم تجزیه خوانی، توسط هیئت بسیج دانشجویی خادم الشهداء



تودیع و معارفه مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری



نشست مسئول نهاد رهبری فرهنگیان با بسیجیان پردیس



سفریک روزمهندس نعمی (مدیر کل طرح برنامه و بودجه دانشگاه فرهنگیان)



سه شب عزاداری هیئت خادم الشهداء



شرکت در راهپیمایی ۱۳ آبان



مراسم زیارت عاشورا همراه با صبحانه



بهره برداری از سالن ورزشی پردیس شهید باهنر

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم:
الآباءُ ثلاثة: أبٌ وَلَدَكَ، و أبٌ زَوْجَكَ، و أبٌ عَلَمَكَ

پدران سه گونه اند: پدری که سبب به دنیا آمدن تو شده و پدری که سبب
همسر داشتن تو شده و پدری که سبب آگاه شدن و یادگیری تو شده
تحریر البواعظ العدنیه ص ۲۴۷

استاد اخلاق و
مرد لحظه های انقلاب
آیت الله ممدوکنی

